

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان: حقانیت معجزه شق القمر
گروه ۴: پاسخ‌های مربوط به حقانیت مطلق پیامبر اسلام
شماره: ۳

نوع پاسخ: نوشتاری و صوتی
— پاسخ صوتی را در پایین متن دریافت نمایید.
تاریخ ثبت: چهاردهم فروردین ماه چهارصد و چهار

سوال:

شبهه ملحدین: آیا وقوع انشقاق و شکاف در اجرام آسمانی، اصولاً امکان دارد؟ یا این که علم آن را به کلی نفی می‌کند؟
اگر شق القمر واقعی بود امروزه باید در عکسبرداری نجومتریک ماه آثارش دیده می‌شد.
ثانیاً اگر شق القمر واقعی بود باید در تاریخ ثبت می‌شد چون اون موقع ماه غیر از عربستان از جاهای متمدن تر که تاریخ داشتن هم دیده می‌شد.

پاسخ نوشتاری:

جالب است که شبهه وارد کننده در قسمت اول ایراد خویش با قصد تخریب، در واقع معنای معجزه بودن را در مورد دو نیم شدن ماه توسط پیامبر اسلام تأیید نموده و به عدم امکان آن از لحاظ دانستنی‌های بشری اعتراف می‌کند!
آری معنای معجزه که به قدرت لا یزال الهی توسط فرستادگانش و برای اثبات حقانیت آنها و قطع عذر منکرین انجام می‌پذیرد، همین است که دیگران از درک چگونگی و انجام آن عاجزند و با دانستنی‌های معمول بشری قابل توجیه و قابل اجرا نیست؛ و در نزد عالم و جاهل ثابت می‌شود که انجام دهنده آن یک مدعی دروغین نبوده بلکه از جانب خداوند قادر متعالی است که اشیاء را آفریده و قوانین حاکم بر آنها را مقدر کرده است و هرگاه اراده نماید خلاف آن را انجام خواهد داد.

کما اینکه به آتش افکنده شدن ابراهیم و سرد و سلامت شدن آن، و اژدها شدن عصای موسی و شکافته شدن آب از برای او، و زنده شدن مردگان به انن خداوند توسط عیسی، و... اموری هستند که علم و دانش معمول بشری، چه در گذشته و چه در حال حاضر از درک چگونگی و انجام آن عاجز است.

و عجیب است که باز شبهه دیگری که برای نفی این حقیقت وارد می‌کند آن است که چرا در عکس برداری از ماه آثار شق القمر مشاهده نمی‌شود، در حالی که در مورد معجزاتی از این قبیل بنا بر این نبوده است که بر روی شیء مورد معجزه آثاری باقی بماند؛ همانطور که عصای اژدها شده موسی هنگامی که به حالت اول باز می‌گشت اثری بر روی آن مشاهده نمی‌شد، و همچنین دریای شکافته شده برای عبور موسی و اصحابش بعد از آنکه به حال خود بازگشته است اثری از شکاف قبلی بر روی آن مشاهده نشده است؛ و در آنجا چه عرض چند کیلومتری خلیج سونز در دریای سرخ بوده باشد و چه عرض حدود سه کیلومتری رود نیل، اکنون هیچ اثری مشاهده نمی‌شود.

و از لحاظ ثبت تاریخی؛

اولاً: این حقیقت مانند عموم وقایع تاریخ اسلام، توسط راویان و تاریخ نویسان اسلامی ثبت و تأیید گردیده و در حد تواتر نقل شده است، که بعنوان مثال می‌توان از نقل متواتر آن در کتاب دلائل النبوة بیهقی (۱) و البدایة و النهایة ابن کثیر دمشقی (۲) و عموم تفاسیر شیعه و سنی ذیل آیات اول سورة قمر نام برد.
ثانیاً: از لحاظ مشاهده در سایر مناطق، در همان ثبت‌های تاریخی گفته شده است که عده‌ای نسبت سحر دادند و نپذیرفتند و بنا گذاشتند تا از مسافری که در راه بودند بپرسند، که صحت آن از این طریق نیز ثابت شد (۳)؛ علاوه بر اینکه ابن کثیر نقل می‌کند که در بسیاری از سرزمین‌های دیگر مشاهده شد و در برخی از بلاد هند زمان وقوع آن نیز ثبت گردید (۴).
ثالثاً: از لحاظ عدم ثبت تاریخی توسط غیر مسلمین و مناطق دور دست طبق مآخذ تاریخی موجود، به دلایل زیر نمی‌تواند حجتی در رد وقوع این حقیقت باشد:

۱ - اختلاف افق، چرا که مثلاً اگر این معجزه در ابتدای شب در مکه رخ داده باشد، در مناطق غربی‌تر هنوز شب نشده بوده و ماه قابل رویت نبوده است. و یا مثلاً اگر در اواخر شب رخ داده باشد، ممکن است در مناطق شرقی روز بوده و

ماه قابل روئیت نبوده است.

- ۲ - ابری بودن آسمان در آن مناطق، بطوری که مانع مشاهده این واقعیت در آنجا شده باشد.
- ۳ - عدم توجه افراد به آسمان، خصوصا با توجه به اینکه در گذشته به دلیل نبود برق مردم زود می خوابیدند، در صورتی که این واقعه پس از گذشت پاسی از شب اتفاق افتاده باشد، این احتمال قوی می باشد.
- ۴ - عدم نقل عمدی جریان از روی عناد پس از اثبات آن در نزد محدود تاریخ نویسان احتمالی مخالف اسلام، کما اینکه امروزه نیز مشاهدات مسلمی همچون مشاهده باقی مانده کشتی نوح در کوه های آارات یا کتمان و یا انکار می شود (۵).

و اما نقل خلاصه جریان این معجزه از جمله طبق نقل تفسیر مجمع البیان (۶)، به این صورت است:
در شب چهارم ماه، مشرکین در نزد پیامبر جمع می شوند و می گویند: اگر راستگو هستی ماه را برای ما دو قسمت کن. ایشان به آنها می گویند: اگر این کار را انجام دهم ایمان می آورید؟ می گویند: آری. پس پیامبر الهی از پروردگارش درخواست می کنند که خواسته آنها را برایشان برآورده کند و ماه به دو قسمت تقسیم می شود؛ و رسول خداوند صدای شان را بلند کرده و می گویند: ای فلان و ای فلان، گواه باشید.
و طبق نقلی دیگر در همانجا، نیمی از آن بر فراز یک کوه و نیمی دیگر بر فراز کوهی دیگر قرار می گیرد، و متأسفانه برخی از آنها این عمل را به سحر نسبت می دهند؛ و شخصی می گوید: اگر شما را سحر کرده باشد تمام مردم را که سحر نکرده است.

و طبق نقل تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۷) از قول امام صادق؛ این جریان در شب چهاردهم ماه ذی الحجه [و طبق نقل های دیگر در سال نهم بعد از مبعث در شهر مکه] اتفاق می افتد، و آن افراد می گویند: باشد تا مسافران ما از شام و یمن بیایند و ما از آنها نیز پرسیم که در چنین شبی چه دیدند؟
و طبق نقل البداية و النهایة (۸) در طی این واقعه در مقابل چشمان آنها نیمی از ماه بر روی کوه صفا و نیمی دیگر بر روی مروه قرار می گیرد و به اندازه فاصله ما بین زمان عصر تا شب به همان حال باقی می ماند و سپس پنهان می گردد.

و طبق نقلی دیگر در همان کتاب (۹)، و همچنین طبق آنچه که ابن شهر آشوب در کتاب مناقب نقل می کند (۱۰)، مسافرینی که از جهات مختلف وارد می شوند این موضوع را تأیید می کنند، ولی منکرین همچنان نسبت سحر می دهند؛ تا اینکه آیات سوره قمر نازل می شود و پافشاری آنها در انکار و نسبت سحر دادن به آیات واضح الهی را یادآوری می کند.

نکته ای قابل توجه:

ما بر سبیل برهان و استدلال، به حول و قوه الهی در این مورد و سایر موارد حق را به سان روشنایی ماه و خورشید تبیین می کنیم، و چون این موضوعات حق است مخالفین جز با فرا فکنی و سعی در انحراف اذهان راهی برای مقابله ندارند؛ و همانطور که در معنای آیه سرلوحه این سایت ذکر شده است، در حجت و برهان، هرگز خداوند برای کافران راه تسلطی بر مؤمنین قرار نخواهد داد.
اما در سبیل انکار، منکرین تا آنجا راه خود را باز می بینند که دیدیم حتی کسانی که این معجزه و امثال آن را به چشم می دیدند، نسبت سحر و امثال آن را می دادند و زیر بار قبول حق نمی رفتند؛ و مسلما منکرینی که امروزه در مقابل برهان می خواهند نپذیرند و راه انکار را بگیرند، پافشارتر و جسورانه تر اقدام می کنند.
وگرنه علاوه بر این قبیل معجزات مسلم که هرچه بیشتر حجت را تمام می کند، خود قرآن بعنوان معجزه ای پایدار با آن فصاحت و بلاغت و حکمت ها و نقل خبرهای راستین گذشته و آینده و... و ارائه آن توسط شخصی که به شهادت تاریخ در هیچ مکتب و نزد هیچ کسی درس نخوانده، برای اثبات حقانیت اسلام در رأس این معجزات قرار دارد.

۱) (دلائل النبوة، احمد بن الحسین البیهقی، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، بیروت ۱۴۰۵ ق، ج ۲ ص ۳۶۸-۳۶۲

۲) (البداية و النهایة، اسماعیل بن کثیر، دارالفکر، چاپ اول، بیروت، ج ۳ ص ۱۲۲-۱۱۸ و ج ۶ ص ۲۸۲

۳) (دلائل النبوة، ج ۲ ص ۳۶۶ و البداية و النهایة، ج ۳ ص ۱۲۰

۴) (البداية و النهایة، ج ۳ ص ۱۲۰

۵) (مراجعة شود به: مقالة "کشتی جناب نوح و انواع موجودات" در بخش مقالات نشر مرتبط همین سایت.

۶) (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن الطبرسی، مکتبة المرعشی، قم ۱۴۰۳ ق، ج ۵ پ ۵ ص ۱۸۶

۷) (تفسیر القمی، علی بن ابراهیم القمی، مکتبة المهدی، نجف ۱۳۶۷ ق، ج ۲ ص ۳۴۱

٨(البداية و النهاية، ج ٣ ص ١٢٠

٩(همان، ص ١٢١

١٠(المناقب، محمد بن على بن شهر آشوب، انتشارات علامة، قم، ج ١ ص ١٢٢